



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عزیزان  
علیهم الصلوات  
والتحیات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# عرضه دعای فرج به قرآن

إِلٰهِ عَظُمَ الْبَلَاءُ

بار خدایا! بلا و مصیبت بزرگ شد

سید شهاب الدین مرتضوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عرضه دعای فرج به قرآن

نویسنده:

سید شهاب الدین مرتضوی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	عرضه دعای فرج به قرآن
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	فراز اول:
۶	فراز دوم:
۸	فراز سوم:
۸	اشاره
۸	منزلت اول اولی الامر:
۹	منزلت دوم اولی الامر:
۱۱	منزلت سوم اولی الامر:
۱۳	فراز چهارم:
۱۳	فراز پنجم:
۱۵	فراز ششم:
۱۷	فراز هفتم:
۱۷	فراز هشتم:
۱۸	نکته نهایی (قبول ولایت یعنی چه؟):
۲۱	درباره مرکز

عرضه دعای فرج به قرآن

نویسنده: سید شهاب الدین مرتضوی

مشخصات صفحه: 14 ص

نوع: مقاله

ص: 1

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

به لطف خداوند مدتی است که دعای «الهی عظم البلاء» گوش ها را می نوازد و دل ها را متوجه خدا می کند.

موافقت عبارات مختلف و اساسی این دعا با قرآن کریم، ما را از بررسی سند بی نیاز می کند؛ زیرا، برای کشف صحت یک حدیث، هیچ روشی اطمینان بخش تر از بررسی موافقت آن با قرآن کریم نیست. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ، مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ، فَأَنَا قُلْتُهُ، وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ، فَلَمْ أَقُلْهُ» یعنی «وقتی کلامی به دست شما رسید که ادعا شد از من است، اگر موافق قرآن بود، من آن را گفته ام و اگر مخالف قرآن بود، من آن را نگفته ام».

البته عرضه حدیث به قرآن کار ساده ای نیست ولی دقیق ترین و قابل اعتمادترین روش برای بررسی صدور و دلالت حدیث محسوب می شود.

در این گفتار به فضل خداوند قسمت های اساسی دعا را به قرآن کریم عرضه می کنیم، تا موافقت آن با قرآن کریم روشن شود؛ بنابراین، می توان آن را به امام عصر عجل الله فرجه الشریف نسبت داد.

### فراز اول:

إِلَهِي، عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغُطَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ صَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي السُّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ

این فراز برای وصف حال بنده خدا و بلایی است که دامن گیر او شده است و نیازی به عرضه آن به قرآن نیست.

### فراز دوم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ

در این فراز می فرمایند: آل محمد همان اولی الامر هستند و خداوند اطاعت از ایشان را بر مردم واجب کرده است. خداوند در آیه 59 سوره نساء اطاعت از رسول خدا و اولی الامر را واجب نمود، جایکه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» یعنی «ای مومنان از خداوند اطاعت کنید و از رسول او و اولی الامر اطاعت کنید».

سوال: قرآن کریم اطاعت از اولی الامر را واجب کرد، اما کجا فرموده است که اولی الامر همان آل محمد علیهم السلام هستند؟

ص: 1

قرآن کریم به روش های متنوعی اولی الامر را معرفی کرده است. در فراز سوم با یکی از آن روش ها آشنا می شویم.

## فراز سوم:

### اشاره

وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مُنْزِلَتَهُمْ

این فراز مهم ترین فراز دعا است و درک معارف آن نقش بسیار زیادی در آشکار شدن مفاهیم فراز های بعدی دارد. امام می فرمایند: خداوندا تو با واجب کردن اطاعت از اولی الامر، جایگاه ایشان را به ما نشان دادی.

سوال: اولی الامر بودن یا واجب بودن اطاعت از ایشان چه جایگاهی است و چه ارزشی دارد؟ به بیان دیگر، آل محمد علیهم السلام از این جهت که اطاعت از آن ها بر ما واجب شده است، چه جایگاهی دارند؟

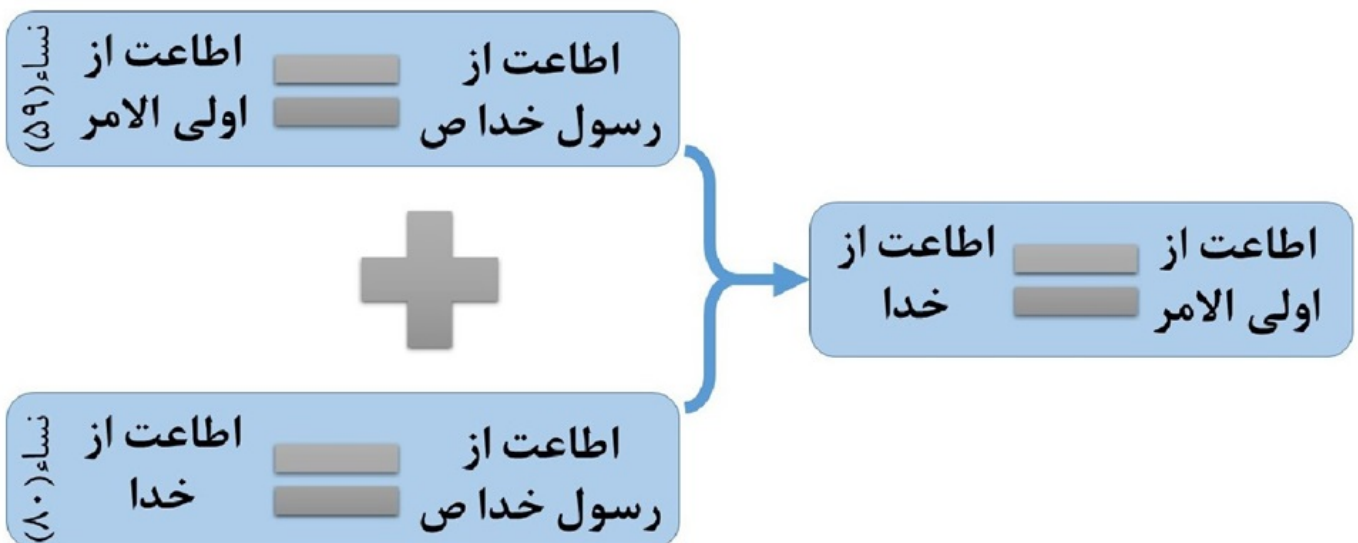
تدبر در آیه 59 سوره نساء، منزلت و جایگاه رفیع اولی الامر را بیشتر روشن می کند:

### منزلت اول اولی الامر:

خداوند در آیه 59 سوره نساء، اولی الامر را از این جهت که باید مورد اطاعت واقع شوند، در ردیف رسول خدا صلی الله علیه وآله قرار داد؛ زیرا، فرمود: «أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» بنابراین، همان طور که اطاعت از دستورات رسول خدا صلی الله علیه وآله بر همگان واجب است، اطاعت از اولی الامر هم در همان سطح بر همه مومنان واجب است. به بیان دیگر، اولی الامر شریک و هم تراز رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند؛ البته در شأن اطاعت شدن.

بالا تر، اینکه اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه وآله همان اطاعت از خداوند است؛ زیرا، آیه 80 سوره نساء می فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» یعنی «هر کس از رسول خدا صلی الله علیه وآله اطاعت کند، قطعا از خدا اطاعت کرده است» در نتیجه چون اولی الامر در مساله اطاعت شدن شریک و هم تراز رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند، متوجه می شویم که اطاعت از اولی الامر عین اطاعت از خداوند است.

### خلاصه تصویری برای منزلت اول اولی الامر:





چون اولی الامر در جایگاه اطاعت شدن هم رتبه رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند، باید تمام ویژگی های رسول خدا صلی الله علیه وآله را که مربوط به اطاعت پذیری از ایشان می شود، دارا باشند. مثلاً اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله باید معصوم باشند تا بتوان از ایشان اطاعت کرد، اولی الامر هم باید معصوم باشند. قرآن کریم ملاک های دیگری برای کسی که باید از او اطاعت کرد، بیان فرموده است. مثلاً در آیه 116 سوره انعام می فرماید: «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی «اگر از اکثر مردم اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند»

سوال: چرا اگر از اکثر مردم اطاعت کنیم، ما را از راه خدا گمراه می کنند؟

خداوند در ادامه آیه می فرماید: «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» یعنی «ایشان فقط از حدس و گمان پیروی می کنند» به بیان دیگر، چون نظرات آن ها برخواسته از حدس و گمان است، دستورات آن ها موجب گمراهی کسانی می شود که از این دستورات در زندگی استفاده می کنند.

سوال: چرا اکثر مردم فقط بر اساس حدس و گمان نظر می دهند؟

انسان ها وقتی در مسأله ای علم ندارند، به ناچار به حدس و گمان می پردازند. خداوند در آیه 28 سوره نجم می فرماید: «وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» یعنی «آن ها هیچ علمی ندارند پس فقط از حدس و گمان پیروی می کنند.»

حال از جمع آیه 116 سوره انعام با آیه 28 سوره نجم درمی یابیم که اکثر مردم چون علم ندارند، بر اساس حدس و گمان نظر می دهند و در نتیجه هر کس به نظرات آن ها عمل کند از راه خداوند منحرف می شود. حال روشن می شود که چرا باید از خدا، رسول او و اولی الامر اطاعت کنیم؛ زیرا، آن ها علم دارند و دستوراتشان برخواسته از علم است.

سوال: همه خداوند را عالم می دانند، اما آیا قرآن، رسول خدا صلی الله علیه وآله و اولی الامر را هم عالم می داند؟

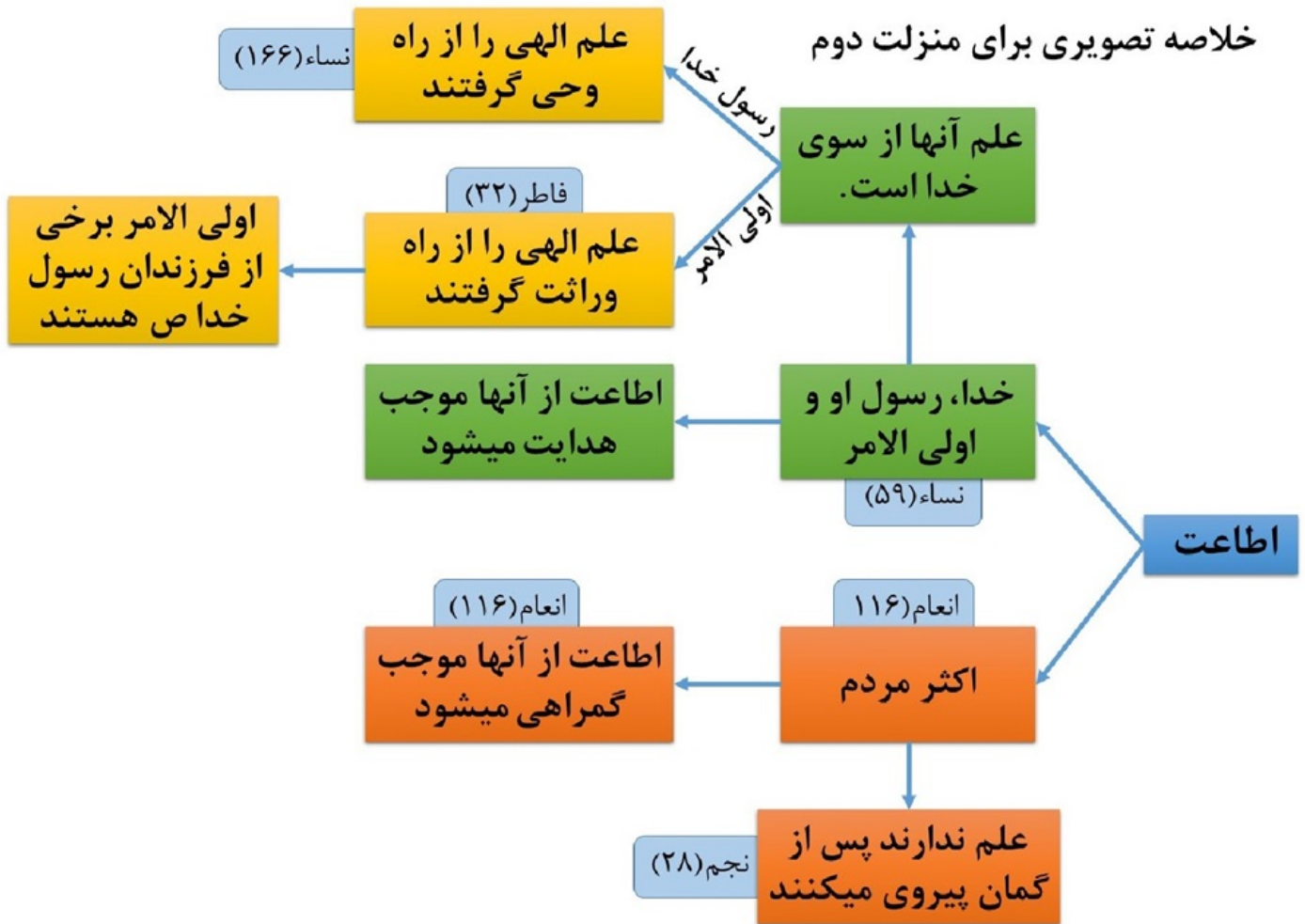
آیه 83 سوره نساء یکی از آیاتی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله و اولی الامر را عالم معرفی می کند: «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» یعنی «اگر مردم مشکل خود را به سوی رسول خدا و اولی الامر می آوردند اهل فهم (که همان رسول خدا و اولی الامر هستند) پاسخ آن را می دانستند.»

سوال: رسول خدا صلی الله علیه وآله علم خود را از کجا آورده اند؟

خداوند در آیه 166 سوره نساء می فرماید: «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ» یعنی «اما خداوند به حقیقت آنچه بر تو نازل کرده است، شهادت می دهد؛ آن را با علمش نازل کرده است» بنابراین، رسول خدا صلی الله علیه وآله از راه وحی و حقیقت نورانی قرآن، به علم الهی دست یافته اند.

سوال: اولی الامر هم تراز رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند و لازم است مثل رسول خدا صلی الله علیه وآله علم الهی در اختیارشان باشد، ایشان علم الهی را چگونه به دست می آورند؟

در تمام قرآن غیر از پیامبر صلی الله علیه وآله فقط یک گروه هستند که به حقیقت نورانی قرآن دست یافته اند. خداوند در آیه 31 سوره فاطر ابتدا از وحی کردن قرآن به رسول خدا صلی الله علیه وآله خبر می دهد، سپس می فرماید: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» یعنی «پس از پایان وحی، ما این کتاب را به بندگان برگزیده خود، به ارث گذاشتیم». خداوند در این آیه از واژه «ارث گذاشتن» استفاده فرمود در حالیکه می توانست از واژگان دیگری استفاده کند؛ بنابراین، استفاده از این واژه قطعاً هدفمند بوده است و به همین خاطر منظور از بندگان برگزیده باید فرزندان پیامبر باشند؛ زیرا، ارث هر فردی به فرزندان او می رسد، اما چون این ارث ویژه و مطهر است، هر کسی شرایط نگهداری از آن را ندارد، پس باید گفت برخی فرزندان خاص رسول خدا صلی الله علیه وآله و ارث حقایق نورانی قرآن هستند. بنابراین، چون اولی الامر هم رتبه رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند، باید آن ها هم از علم الهی بهره مند باشند و تنها گروهی که حقیقت قرآن به آن ها بخشیده شده است، وارثان رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند. در نتیجه اولی الامر علم خود را از طریق وراثت به دست آورده اند و آن ها بعضی از فرزندان خاص رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند.



### منزلت سوم اولی الامر:

نتیجه اطاعت از خدا، رسول خدا و اولی الامر هدایت است؛ زیرا، خداوند در آیه 54 سوره نور می فرماید: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ ... وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا» یعنی «از خدا و پیامبر اطاعت کنید ... و اگر از رسول خدا اطاعت کنید، هدایت می شوید» همچنین از آیات 66 و 67 سوره احزاب روشن می شود که اطاعت نکردن از خدا و رسول خدا موجب گمراهی می شود. آنجا که اهل جهنم می گویند: «يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ (66) وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا لُؤْلُؤُنا السَّبِيلَا» یعنی «ای کاش از خدا و رسول اطاعت کرده بودیم؛ خداوند ما از بزرگانمان اطاعت کردیم، پس آن ها ما را گمراه کردند». از هماهنگی این آیات با آیه 116 سوره انعام لذت ببرید.

انسان ها با اختیار خود از پیامبر یا اولی الامر یا اطاعت می کنند و یا اطاعت نمی کنند. اگر اطاعت کنند، یکی از پاداش های آن ها هدایت است و اگر اطاعت نکنند، یکی از مجازات های آن ها گمراهی است. همچنین، خداوند در آیه 44 سوره شوری به پاداش و کیفر دیگری اشاره فرموده است: «وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهَ

فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ» یعنی «هر که را خداوند گمراه کند، دیگر ولی و سرپرستیار سوی خداوند ندارد». در واقع انسان وقتی اطاعت نمی کند، اسباب گمراهی خود را مهیا می کند و با این کار از ولایت خداوند خارج می شود. و هر کس اطاعت کند، وارد ولایت خدا می شود.

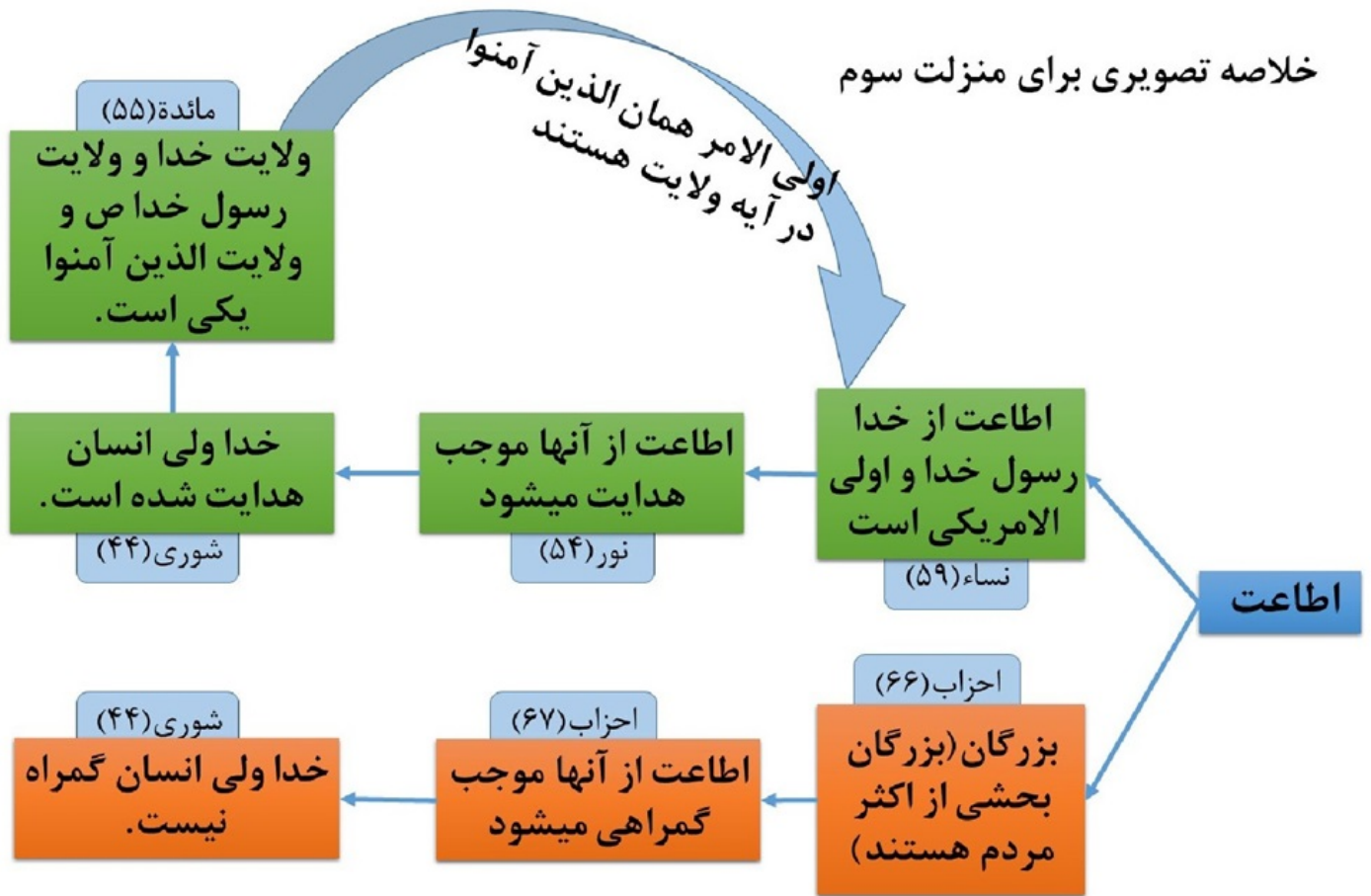
از سوی دیگر ولایت خدا، رسول او و برخی از مومنان، بر اساس آیه 55 سوره مائده یکی است. یعنی یک ولایت در سه گروه آشکار شده است. خداوند می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» یعنی «ولی و سرپرست شما فقط خداوند، رسول او و مومنانی هستند که نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند» پس خروج از ولایت خدا، همان خروج از ولایت پیامبر صلی الله علیه وآله است و ورود به ولایت خدا، همان ورود به ولایت پیامبر صلی الله علیه وآله است. پس اطاعت از خدا، رسول و اولی الامر موجب هدایت و ورود به ولایت خدا، رسول و گروه خاصی از مومنان می شود. از همین جا مشخص می شود که این گروه خاص از مومنان باید همان اولی الامر باشند.

پس سومین منزلتی که امام در این فراز به آن اشاره می کنند، این است که شما اهل بیت ولی مومنان هستید.

همچنین در حدیث صحیح، امام صادق علیه الصلاه والسلام در توضیح آیه 59 سوره نساء به آیه 55 سوره مائده اشاره فرمودند:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلَنَا فِي الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ طَاعَتَهُمْ مُفْتَرَضَةٌ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَهُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا.

(الكافي ط الاسلاميه؛ ج 1؛ ص 187؛ ح 7)



### فراز چهارم:

فَرَجْنَا عَنْهُمْ غَتًّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَاحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ

در این قسمت می فرمایند: خداوندا حال که منزلت اولی الامر را به ما معرفی کردی، بحقّی که دارند، برای ما گشایش ایجاد کن.

سوال: گشایش در مشکلات ما، چه ارتباطی به منزلت اولی الامر دارد؟

در فراز ششم روشن می شود.

### فراز پنجم:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ

در این فراز دو تن از اولی الامر را صدا می زنند و معکوس شدن عبارت «یا محمد و یا علی» در عبارت «یا علی و یا محمد» بخاطر این است که نشان دهند در شأن اولی الامر بودن، رسول خدا صلی الله علیه وآله با امیرالمؤمنین علیه الصلاه والسلام هم تراز هستند.

سپس از آن ها درخواست کفایت می کنند.

سوال: آیا قرآن این فراز را قبول دارد؟

خداوند در آیه 36 سوره زمر می فرماید: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» یعنی «آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست؟» بنابراین، خداوند فقط بنده اش را کفایت می کند نه دیگران را.

سوال: از نظر قرآن، چه کسی بنده خدا محسوب می شود؟

در کل قرآن دو نوع بنده داریم: 1- بنده خدا؛ 2- بنده شیطان. خداوند در آیه 60 سوره یس می فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ» یعنی «ای فرزندان آدم؛ آیا از شما پیمان نگرفتم که بنده شیطان نشوید؟» و در آیه بعدی می فرماید: «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» یعنی «و بنده من باشید، چرا که بندگی من صراط مستقیم است» از این آیه روشن می شود که هر کس بنده خدا باشد، در صراط مستقیم بسر می برد.

برای شناخت بنده خدا لازم است بیشتر با صراط مستقیم که همان راه خدا است، آشنا شویم.

در منظومه قرآن کریم دسته بندی های متنوعی برای مردم معرفی شده است. یکی از آن ها در آیه 93 سوره نحل آمده است: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» یعنی «اگر خداوند می خواست همه انسان ها یک جور می شدند ولی نخواست، پس گروهی را گمراه کرد و گروهی را هدایت» دقت کنید که جبری در کار نیست؛ زیرا، خداوند در قرآن عوامل گمراهی را معرفی کرده است، هر کس با اختیار خود وارد یکی از این راه ها شود خداوند به عنوان مجازات او را گمراه می کند. یکی از عوامل گمراهی در آیه 116 انعام گذشت.

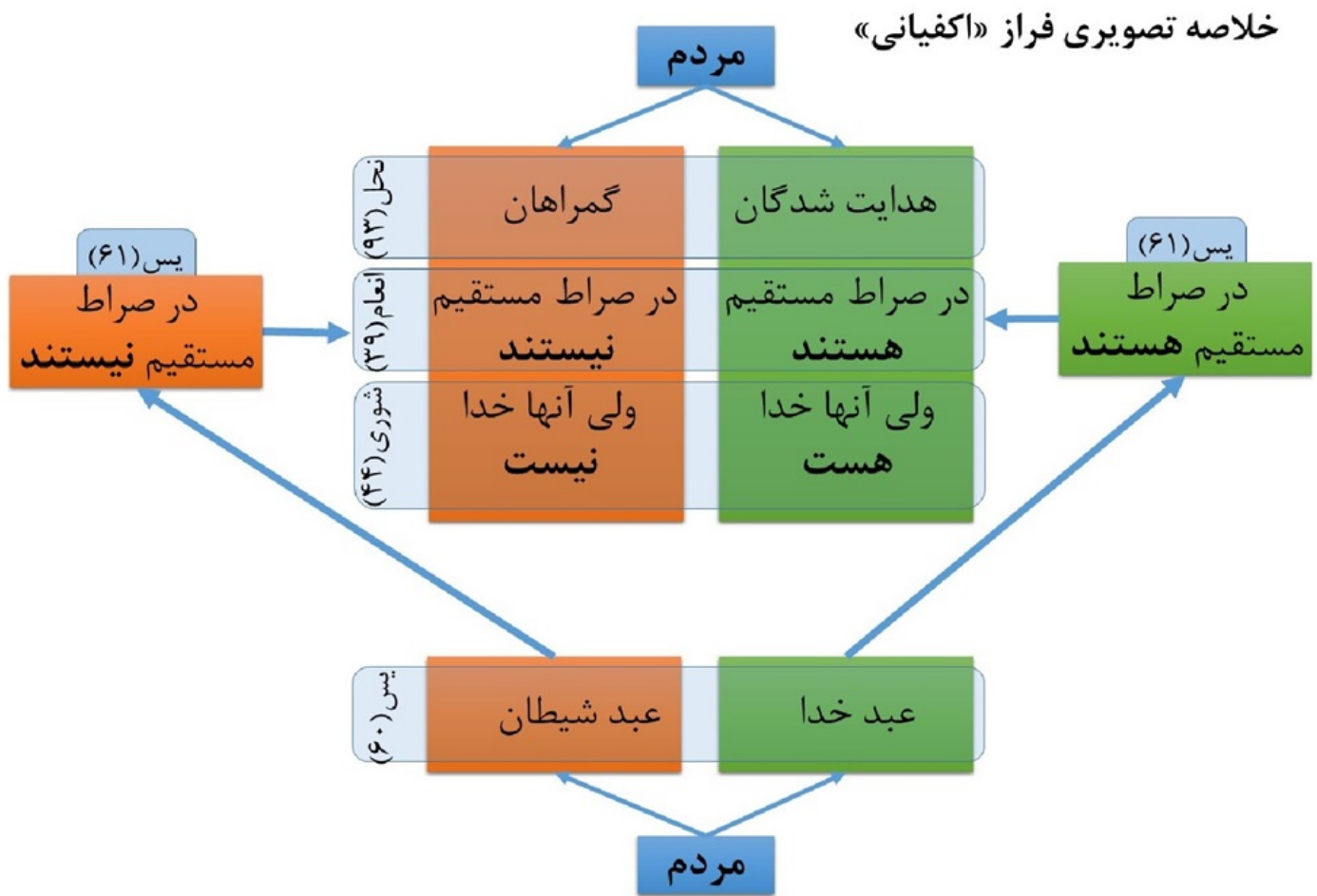
خداوند آیه 93 نحل را در آیه 39 سوره انعام بیشتر توضیح داده است: «مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» در این آیه خداوند همان دسته بندی را بیان می کند، اما بجای گروه هدایت شدگان، می فرماید «گروهی که در صراط مستقیم هستند» پس نتیجه می گیریم کسانی که در صراط مستقیم هستند، همان هدایت شدگان هستند و گمراهان در صراط مستقیم نیستند.

از سویی، اگر آیه 44 سوره شوری یعنی «وَمَنْ يُضِلِّ لِلَّهِ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ» را با دسته بندی آیه 93 سوره نحل جمع کنیم، متوجه می شویم که گمراهان، از ولایت خدا بی بهره هستند و خداوند ولی هدایت یافتگان است همان کسانی که در صراط مستقیم زندگی می کنند. در نتیجه بنده خدا که آیه 61 سوره یس فرمود در صراط مستقیم زندگی می کند، ولی او خدا است.

پس خداوند از این جهت که ولی بنده خود است، او را کفایت می کند. بر این اساس، هر کس که ولی باشد، می تواند کفایت کند؛ زیرا، آیه 55 مائده ولایت خدا، رسول و 12 امام که همان اولی الامر هستند را یکسان معرفی نمود.

به یاد بیاورید که آخرین منزلتی که برای اولی الامر بیان کردیم شأن ولایت مومنان بود.

در نتیجه، این فراز موافق قرآن است. رسول خدا صلی الله علیه وآله و امام علی علیه الصلاه والسلام، چون ولی هستند، می توانند کسانی را که ولایت خدا را قبول کرده اند، کفایت کنند. پس درخواست کفایت از آن ها درست است و شرک نیست.



### فراز ششم:

وَ أَنْصُرَانِي فَإِنِّكُمْ ناصِرَانِ

سپس از رسول خدا صلی الله علیه وآله و امام علی علیه الصلاه والسلام درخواست یاری می کنند.

سوال: آیا غیر خدا می تواند ما را نصرت و یاری کند؟

به نظر قرآن، یاری کردن یکی از کارهایی است که ولی برای کسانی که ولایت او را پذیرفته اند، انجام می دهد. در آیه 286 سوره بقره از خدایی که ولی است، درخواست یاری می کنیم: «أَنْتَ مَوْلَانَا فَأَنْصُرْنَا عَلَيَّ»

الْقَوْمُ الْكَافِرِينَ» حال از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَامَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ هم که ولّی هستند، می توان درخواست یاری کرد. در واقع این فراز دعا دقیقاً شبیه آیه قرآن است.

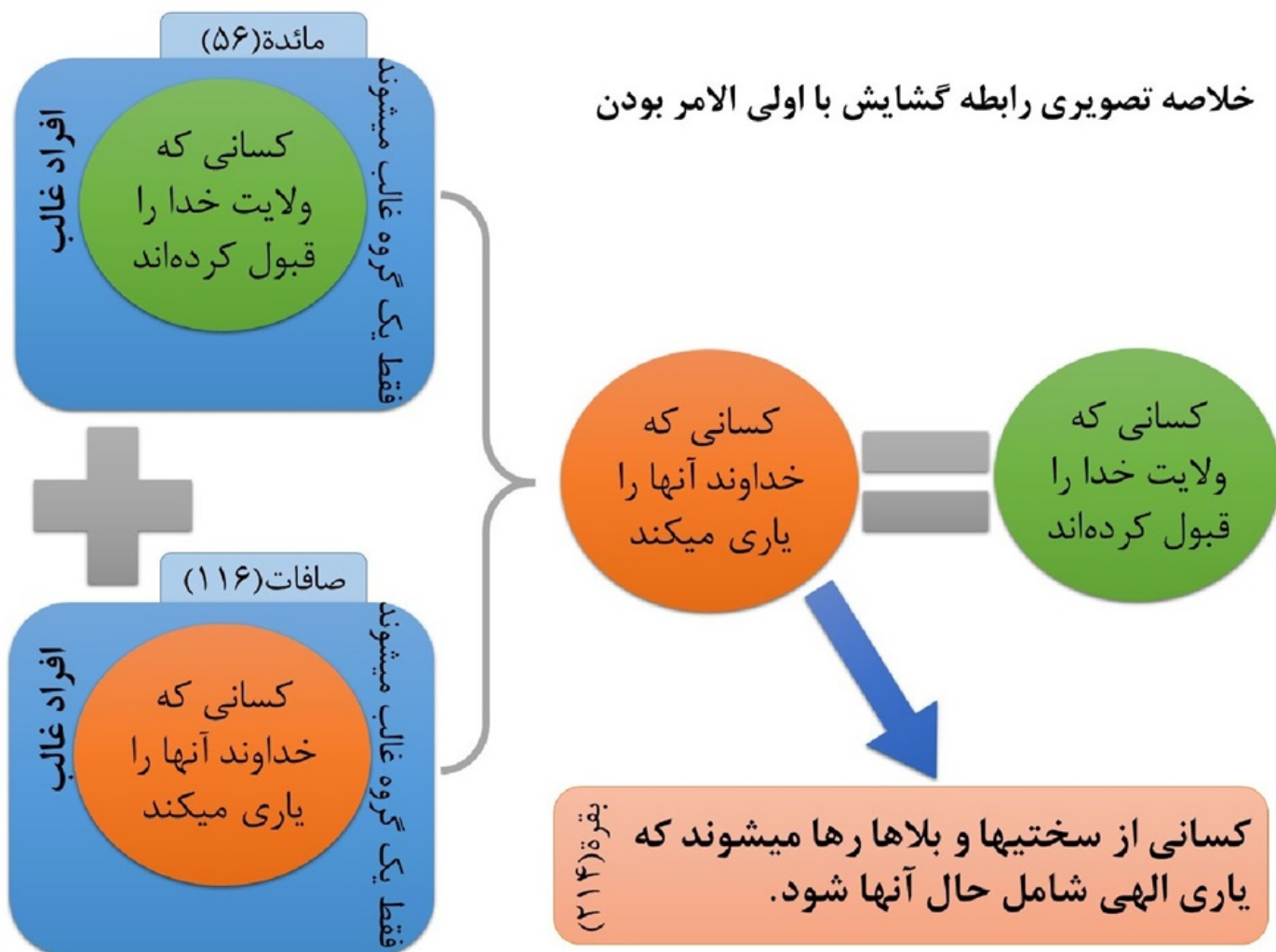
کشف معنای فراز چهارم:

حال می توان معنی فراز چهارم یعنی رابطه اولی الامر بودن و گشایش در کارها را فهمید. قرآن کریم راه نهایی نجات از سختی ها، آزمایش ها و بلاها را نصرت الهی معرفی می کند. در آیه 214 سوره بقره می فرماید در یکی از اقوام گذشته، سختی ها به جایی رسید که پیامبر و مومنان آن قوم گفتند: «پس چه موقع یاری خدا می رسد؟» و خداوند هم در پاسخ فرمود: «یاری خدا نزدیک است». اساساً در قرآن نصرت خدا برای کسانی است که ولایت خداوند را قبول کرده اند؛ زیرا، به نظر قرآن تنها راه غلبه و چیره شدن این است که خداوند، ما را یاری کند. خداوند در آیه 116 سوره صافات فرمود: «وَ نَصَرْنَا هُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ» یعنی «ما موسی، هارون و قوش را یاری کردیم پس فقط آن ها چیره شدند نه دیگران» از سویی در آیه 56 سوره مائده فرمود: «وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَاِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُوْنَ» یعنی «هر کس ولایت خدا، رسول و مومنان (که در آیه قبلی فرمود همان اولی الامر هستند) را قبول کند، وارد حزب خدا شده است و فقط حزب خدا چیره هستند نه دیگران» پس هر کس ولایت خدا را قبول کند، یاری می شود و خداوند با یاری کردن خود برای او فرج و گشایش ایجاد می کند.

و به یاد داریم که منزلت سوم اولی الامر، شأن ولایت ایشان بود؛ بنابراین، ایشان در شأن ولایت، مومنان را یاری می کنند و با یاری کردن مومنان، برای ایشان گشایش ایجاد می کنند.



خلاصه تصویری رابطه گشایش با اولی الامر بودن



**فراز هفتم:**

يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْعُوْثُ الْعُوْثُ اُدْرِكْنِي اُدْرِكْنِي اُدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلِ الْعَجَلِ اَمَامَ زَمَانِ عَجَلِ اللّٰهِ فَرَجِ الشَّرِيفِ هَمَّ يَكِي اَز اَوْلِي اَلْاَمْرِ و وَلِيّ هَسْتَنْد. و پناه خواستن از ایشان، صحیح است زیرا ایشان ولیّ خدا هستند.

**فراز هشتم:**

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ

در این دعا بندگان از فراز اول تا چهارم با خداوند صحبت می کنند سپس در فراز پنجم تا هفتم با حضرات اولی الامر و در فراز هشتم دوباره با خداوند.

تغییر مخاطب در متن دعا از قبیل اضطراب متن حدیث نیست و آن را ضعیف نمی‌کند. بلکه، اساساً چون این دعا در مقام آموزش مقامات رفیع اولی الامر به مردم است و یکی از آن‌ها شأن ولایت ایشان است، این تغییر خطاب‌ها برای این است که وحدت را در مقام ولایت به مردم آموزش دهد.

بسیاری از افراد، در اثر دوری از قرآن، شأن ولایت اهل بیت را درک نکرده‌اند و تصور می‌کنند، نسبت دادن کارهای خداوند به غیر خدا شرک است. در صورتی که قرآن اموری را که به ولایت مربوط می‌شود، به ولیّ خدا، که خدا نیست، نسبت داده است. مثلاً در آیه 257 سوره بقره، خارج کردن از ظلمات به سوی نور را به خدا، در شأن ولایت، نسبت می‌دهد و در آیه اول سوره ابراهیم خارج کردن از ظلمات به سوی نور را به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد.

### نکته نهایی (قبول ولایت یعنی چه؟):

در عالم هستی حوادث گوناگونی به ولایت خداوند مرتبط است و خداوند از این جهت که ولیّ است در آنها اثر می‌گذارد. مثل هدایت، تزکیه و ... قرآن کریم در موارد گوناگون همانطور که این حوادث را به خداوند نسبت می‌دهد، آنها را به رسول خدا نیز نسبت می‌دهد. و تمام این موارد شرح آیه 55 سوره مائده محسوب می‌شود. کفایت بندگان و یاری آنها فقط دو نمونه از کارهایی است که ولیّ برای کسانی که ولایت او را پذیرفته‌اند، انجام می‌دهد.

در این میان؛ تمام این محبت‌ها و خدمات از جانب ولیّ الهی فقط برای کسانی است که ولایت او را پذیرفته‌اند نه دیگران. همچنین مومنین به میزانی که ولایت ولیّ الهی را قبول کرده‌اند، از این موهبت‌ها بهره‌مند می‌شوند.

سوال بسیار مهم این است که قبول ولایت در قرآن به چه معنا است؟ به بیان دیگر؛ ما به چه میزان ولایت ولیّ را پذیرفته ایم؟

بار دیگر آیاتی را که در قسمت «منزلت سوم اولی الامر» مطرح شد، مطالعه کنید. مشاهده می‌کنید که بین قبول ولایت ولیّ و اطاعت از او رابطه مستقیم وجود دارد. در قرآن کریم به روش‌های متعددی آیه 59 سوره نساء به آیه 55 سوره مائده گره می‌خورد و بر عکس. بنابراین، به خاطر می‌سپاریم که به نظر قرآن، به میزانی که از ولیّ اطاعت می‌کنیم، ولایت او را پذیرفته ایم.

حال ببینیم ولیّ خدا، اولی الامر، وارث‌الکتاب و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت امام کاظم علیه الصلاه والسلام در مورد وصل شدن به ولایت اهل بیت چه می‌فرمایند:

وَقَالَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَإِنَّمَا هِيَ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ سَاقَهَا إِلَيْهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَصَلَهُ بَوْلَانِنَا وَ هِيَ مَوْصُولُهُ بَوْلَانِيهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَإِنْ رَدَّهُ عَنْ حَاجَتِهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ أَسَاءَ إِلَيْهَا.

(بحار الانوار ط-بیروت ج 71 ص 313) ترجمه: هر کس برادر مومش بخاطر نیازی نزد او بیاید، به راستی که این رحمت خدا است که به سویش آمده است. پس اگر نیازش را برآورد، این گره گشایی او را به ولایت ما وصل می کند و ولایت ما به ولایت خدا وصل شده است و اگر نیازش را برآورده نکند در حالیکه توانایی دارد قطعاً به خودش ستم و بدی کرده است.

در این حدیث امام کاظم علیه الصلاه والسلام برآورده کردن نیاز مومن را عامل وصل شدن به ولایت معرفی فرموده اند. هر کس دوست دارد نصرت الهی، کفایت و ... که از ثمرات ولایت هستند شامل حال او شود، لازم است از برادران ایمانی خود گره گشایی کند.

سوال: آیا قرآن این روایت را تصدیق می کند؟

در کل قرآن کریم هرگاه سخن از ولایت و سرپرستی خدا است، کلمه «ولیت» بطور مفرد آمده است. خداوند با این روش پیامبر و اهل بیت را در سرپرستی مومنان با خود در یک گروه قرار می دهد، همچنین اعلام می دارد که دیگران هیچ نقشی در سرپرستی مومنان ندارند. این اندیشه در آیه 55 سوره مائده تبلور یافته است. اما زمانی که صحبت از ولایت غیرخدا یا دوستی میان انسان ها است، لفظ «ولیت» بصورت جمع استفاده می شود و خداوند می گوید «اولیاء». حال دقت کنید که خداوند پیرامون جامعه مومنین در آیه 71 سوره توبه می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» یعنی «مومنان مرد و زن برخی دوست برخی دیگرند» به بیان دیگر؛ آیه نمی گوید که برخی از مومنان سرپرست دیگر مومنان اند، بلکه می گوید در میان مومنان رابطه برادری و دوستی شدیدی برقرار است همانطور که در آیه 10 حجرات فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ».

سوال: چه کسانی حق برادری را در مورد دیگر مومنان اداء می کنند؟

خداوند در آیه 72 سوره انفال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» یعنی «کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و با مال و جان در راه خدا جهاد کردند و کسانی که پناه دادند و یاری کردند فقط آنان هستند که برخی دوست برخی دیگرند.» پس با پناه دادن و یاری کردن برادر مومن حق او اداء می شود. سپس خداوند در آیه 74 که ادامه آیه 72 است می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا

ص: 13

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» یعنی «کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند و کسانی که پناه دادند و یاری کردند فقط آنان هستند که در حقیقت مومن اند؛ برای آنها مغفرت و روزی کریمانه است». پس ایمان کسی کامل و حقیقی است که به برادران ایمانی خود پناه می دهد و او را یاری می کند.

در قرآن کریم به روش های متعدد ثابت می شود که ایمان مرتبه ای بالاتر از اسلام است و منظور از ایمان قبول ولایت خدا، پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام است. و چون در پایان فراز ششم با یکی از آن روش ها آشنا شدیم دیگر نیازی به اثبات این نکته نمی بینیم.

پس مومن با پناه دادن و یاری برادر مومن خود حق او را بجا می آورد و ایمانش کامل و حقیقی می شود یعنی به ولایت خدا وصل می شود.

ملاحظه شد که روایت شریف امام مبین حضرت موسی بن جعفر الکاظم علیه الصلاه والسلام مورد تأیید قرآن است.

با عرضه حدیث مبارک امام کاظم علیه الصلاه والسلام به قرآن کریم مشخص می شود که منظور امام کاظم علیه الصلاه والسلام از اینکه «برادر مومن نیازش را به سوی ما می آورد» محدود به امور مالی نیست؛ زیرا، پناه دادن و یاری کردن گسترده تر از اهدای مال است. گاهی نیاز برادر مومن ما، شاد شدن با یک مزاح است، گاهی نیاز او یک مشورت عالمانه، صادقانه و محترمانه است، گاهی نیاز او محبت پدرانه و دلداری است، گاهی برادر دینی ما در پازل دشمنان اهل بیبازی می کند و تحت تأثیر افکار آنان قرار گرفته است، او بی خبر است که در دام شیطان افتاده و باید رها شده شود، پس باید از جام طهور قرآن و علوم اهل بیت علیهم السلام به او نوشاند.

خداوند به همه ما توفیق پناه دادن و یاری برادران دینیمان را ارزانی دارد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

